

Social Pathology of Education in Iran's Southeast Frontier Areas

Mohammad Mazidi¹ | Naime Zakeri²

Abstract

Nowadays, manner of education is one of the concerns of society. In this regard, the present study mainly aims at designing a conceptual model of education based on the perspective of Imam Reza. (AS). The research method is content analysis with a qualitative and inferential approach. The study units of this research comprise documents and literature pertaining to the field of education from the perspective of Imam Reza (AS). Based on the research findings, ten bases, five principles and seven methods were obtained that depicted the conceptual model of education. In this education pattern, principles such as observance of God-centeredness, promotion of spirit and motivation, attention to the health of body and soul, ethics-orientation and effective interaction with society were determined. Methods corresponding to principles included recognizing a blissful and purposeful life, method of action-based education, responsible use of nature, understanding the importance of health and physical and mental balance, institutionalization of moral virtues, self-control, and cultivating social identity. Introducing competent educational models and methods of proper upbringing in the family through policy-making in educational institutions namely, the media and reducing the speech-action gap of educational models are among the practical suggestions of this research.

Keywords: Conceptual Model, Education, Imam Reza's Perspective.

55

Vol. 30
Summer 2022

Research Paper

Received:
12 November 2020
Accepted:
16 January 2021
P.P: 161-192

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.6.3

1. Corresponding Author, Ph.D. in Philosophy of Education and Teaching, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. Mmazidi52@gmail.com
2. MA, Department of Philosophy of Education, Shiraz University, Shiraz, Iran.

آسیب‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت در مناطق

مرزی جنوب شرقی ایران

محمد مزیدی^۱ | نعیمه ذاکری^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر فهم آسیب‌های اجتماعی تعلیم و تربیت در مناطق مرزی جنوب شرقی ایران بود. این پژوهش در پارادایم کیفی انجام گرفته و نوع پژوهش نیز کیفی است. گردآوری داده‌ها به دو روش مصاحبه عمیق و بررسی اسناد صورت گرفت. افراد مورد مطالعه برای بخش مصاحبه به شیوه هدفمند و با رعایت قواعد حداکثر تنوع و رسیدن به نقطه اشباع‌شدگی یا اشباع نظری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله از مصاحبه عمیق، از رویکرد تفسیری-تجزیاتی و برای تحلیل اسناد مورد مطالعه (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) از تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد. یافته‌های پژوهش در بخش مصاحبه‌ها نشان داد که آسیب‌های اجتماعی موجود در تعلیم و تربیت مرزی، در چهار حیطه آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، آسیب‌های آموزشی، تنگناهای اقتصادی و تنگناهای مذهبی قابل تشخیص هستند. هم‌چنین مقوله‌های استخراج شده از متن اسناد نیز تا حدودی با نتایج حاصل از مصاحبه‌ها همخوانی داشتند. پیامدهای ناشی از این آسیب‌ها در دو بعد کوتاه‌مدت و بلندمدت ظاهر گردیدند که متناسب با ابعاد مذکور راهکارهایی نیز در چهار حیطه اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، مذهبی و آموزش و پرورش ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی اجتماعی؛ مناطق مرزی؛ جنوب شرقی ایران؛ سند تحول بنیادین.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۸/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۱۰/۲۷

صص: ۱۶۱-۱۹۲

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.6.3

۱. نویسنده مسئول: دکترای فلسفه تعلیم و تربیت؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
Mmazidi52@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

ایران هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی دارای ساختار فضایی مرکز-حاشیه است، در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامون، از توسعه یافتگی بیش‌تر و درجه دسترسی بالاتر مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. بخش مرکزی که قرارگاه دولت بوده است به دلیل ساختار فضایی و موقعیت ژئوپلیتیکی، همیشه از قدرت برتر برخوردار بوده است و به‌جز در دوره‌های وقفه و یا مراحل گذار از نظمی به نظمی دیگر در توالی حکومت‌ها، همواره توانسته است واحدهای پیرامونی را با خود همراه نموده و از جدایی آن‌ها جلوگیری کند (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹). بررسی سیر تاریخی شکل‌گیری دولت در ایران نشان می‌دهد، آنچه از آن به‌عنوان دولت ملی یاد می‌شود، در طول تاریخ روند تکاملی خود را به‌گونه‌ای صحیح طی نکرده است؛ بنابراین ریشه توسعه ناموزون در ایران را باید در قبیله‌گرایی دولت‌های شکل گرفته در ایران در قرون ۱۸ و ۱۹ جستجو کرد که خود معلول جمعیت ناهمگون کشور و عدم شکل‌گیری هویت ملی فراگیر است؛ بنابراین روند شکل‌گیری توسعه یا رشد از مراکز سیاسی حکومت‌ها شروع شد و مناطق دیگر نادیده گرفته شد؛ در این میان، عواملی باعث شد که مناطق ویژه‌ای به‌عنوان کانون و مرکز سیاسی انتخاب شود (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰). توسعه یک‌سویه، نامتوازن و بدون برنامه شهرها، جمعیت‌ها و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین، بسیاری از ظرفیت‌های کشور را بدون استفاده گذاشته و مشکلات بسیاری را در سطوح مختلف به کشور تحمیل کرده و موجب افزایش نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور شده است (شاطریان و همکاران، به نقل از احمدی فروشانی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). از دیرباز اکثر مناطق دوردست و مرزی کشور علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی سرشار و موقعیت ویژه جغرافیایی و بهره‌مندی از نعمت مرزهای آبی و خاکی، در رتبه‌های پایین توسعه و در معرض شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی و محرومیت‌ها قرار داشته‌اند. از آنجا که یکی از اهداف پیروزی انقلاب اسلامی، رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته یا به بیان روشن‌تر، محروم کشور است، این مهم از دل مشغولی‌های اساسی دولت‌های پس از انقلاب بوده و در این زمینه گام‌های مهمی نیز برداشته شده است، اما با وجود گرایش‌های فوق و با همه تلاش‌های انجام گرفته، هم‌اکنون حوزه‌های

جغرافیایی بااهمیتی چون مناطق و شهرهای مرزی، تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند. در نتیجه به‌رغم وجود قابلیت‌های فراوان مناطق مرزی کشور؛ شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در آن‌ها در سطح مطلوبی قرار ندارند و این امر موجب شده شهرهای مرزی از چرخه توسعه باز بمانند (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۸). جونز و وایلد نیز مناطق مرزی را به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته می‌شناسند. این حاشیه‌ای بودن اگرچه معلول شرایط جغرافیایی می‌باشد، اما با برقراری مرز بین دو کشور این فضاها از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند که این خود علت عقب‌ماندگی است (عن‌دلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۴). همچنین ایران کشوری متنوع از نظر قومی است، ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در ایران به‌ویژه بر مؤلفه‌های زبانی، مذهبی است و اقوام در ایران به شکل اقلیت‌های پنج‌گانه در مناطق و استان‌های مرزی پراکنده است. سکونت اقوام در مناطق مرزی و هم‌جواری با کشورهای هم‌زبان خود زمینه را برای وقوع بحران‌های قومی در نقاط مرزی به وجود می‌آورد. شاخص‌هایی همچون داشتن زبان رسمی، رادیو و تلویزیون محلی، درخواست سهم شدن در قدرت، به این معنا است که اقوام مختلف ایران اعم از آذری، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب تا حد زیادی به خودآگاهی قومی رسیده‌اند و اتخاذ سیاست‌های قومی مناسبی را از طرف دولت می‌طلبند. اگر دولت با توجه به این خودآگاهی‌های قومی با اتخاذ سیاست‌های خاص آن‌ها را به‌سوی مشارکت ملی سوق دهد در این صورت هویت ملی آنان تقویت خواهد شد (پیشگامی‌فرد و امید آوج، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ بنابراین ویژگی‌های مناطق مرزی در همه جای ایران شبیه به هم بوده که عبارت از همسانی زبان و فرهنگ مردم این مناطق با آن سوی مرزهاست که در اکثر این استان‌ها دیده می‌شود. ویژگی دوم تنوع مذاهب و فرقه‌های مذهبی مناطق مرزی و سومین ویژگی آن محرومیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که رژیم‌های گذشته به میراث گذاشته‌اند (مسلم‌زاده تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

بیان مسئله

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند در واقع با

شکل‌گیری و رشد جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی بهره‌گیری از علوم مختلف برای بیان فرایندهای اجتماعی نیز معمول گردید و در نتیجه بسیاری از اصطلاحات و واژه‌های رایج در علوم دیگر چون زیست‌شناسی، علوم پزشکی، زمین‌شناسی و مانند آن در جامعه‌شناسی نیز به کار گرفته شد که از جمله می‌توان آسیب‌شناسی را نام برد. آسیب‌شناسی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگانسیم انسانی؛ بنابراین در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه، اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۱). راسخ (۱۳۹۱) در کتاب فرهنگ جامع جامعه‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی را عنوان دیگری برای مطالعه انحراف‌های اجتماعی معرفی می‌کند، اشکال اساسی که از آسیب‌شناسی اجتماعی گرفته می‌شود، شبیه‌سازی غیرمجازی است که این دیدگاه بین انحرافات اجتماعی و نشانه‌های بیماری ارگانسیم زیستی قائل می‌شود. بر این اساس اخیراً در بسیاری از مجامع علمی از آن استفاده نمی‌شود، بلکه از مفهوم «مطالعه انحراف‌های اجتماعی» بهره‌گیری می‌شود (راسخ، ۱۳۹۱: ۲۳). مفهوم آسیب‌شناسی بنا به تعریف ساروخانی (۱۳۷۰) از علوم زیستی گرفته شده و به مطالعه بی‌سازمانی‌ها، آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، تبهکاری و... همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آنان و هم‌چنین شرایط بیمارگونه و نابهنجار جامعه می‌پردازد. ستوده (۱۳۷۹) آسیب‌شناسی اجتماعی را مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، روسپیگری، طلاق، ولگردی، گدایی و... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی می‌داند.

تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران امری جامع و شامل تمام فرایندهای زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی معرفی شده که به‌عنوان امری واحد و یکپارچه با تمام ابعاد وجودی انسان، به‌مثابه یک کل سروکار دارد. بدیهی است که هر یک از فرایندهای زیرمجموعه این عنوان جامع، نمی‌توانند در عرض آن مطرح و یا به‌عنوان رقیب آن تلقی شوند؛ آنچه باید رخ دهد همانا تربیت است؛ اما با ابزارها و روش‌های متفاوت. به‌بیان‌دیگر، مراد از «تعلیم و تربیت» همان «تربیت» است که به‌غلط رایج شده و کاربرد فراوان دارد؛ لذا واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و جنبه‌های فرایندی می‌شود که زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی است و لذا نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد مفهوم تربیت دربردارنده و جامع تمام اجزا و

عناصر مرتبط با این فرایند (مانند تعلیم، تزکیه، تأدیب، تدریس و مهارت‌آموزی) است، بنابراین تربیت عبارت است از: «فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۳۹)؛ بنابراین «آسیب‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت» در این پژوهش؛ شناخت و مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی که مانع از وصول و تحقق اهداف و آرمان‌های تعلیم و تربیت هستند به همراه شناخت علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها به منظور رشد و تعالی فراگیران مبتنی بر نظام معیار اسلامی و دستیابی به حیات طیبه در همه ابعاد، تعریف می‌گردد.

سؤالی که پس از بیان مطالب یادشده پیش می‌آید این است که با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد مناطق مرزی و آسیب‌پذیری این گونه مناطق، جایگاه و وضعیت تعلیم و تربیت در این مناطق چگونه است؟ اگرچه که تنگناها و آسیب‌های اجتماعی در تمامی جامعه ایران وجود دارند و بر روند آموزش و پرورش افراد تأثیرگذار است، اما ابعاد آن در مناطق مرزی گسترده‌تر و تأثیرات آن عمیق‌تر است. سلامت نیوز به نقل از ابوالفضل رضوی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم از افزایش نرخ بی‌سوادی در برخی از استان‌های مرزی ابراز نگرانی کرده و بیان داشته که دلایل اصلی بی‌سوادی در استان‌های مرزی، افت پوشش حداکثری تحصیل، کم‌توجهی به مسائل فرهنگی، وجود نداشتن مدارس نزدیک خانه دانش‌آموزان و کمبود معلم در مناطق مرزی است. خبرگزاری سلامت نیوز، ۱۳۹۴). هم‌چنین خبرگزاری فارس به نقل از علی باقرزاده رئیس سازمان نهضت سوادآموزی خبر داد که ۳۰ درصد زنان و دختران در برخی از مناطق مرزی بی‌سواد هستند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). به گزارش گروه اجتماعی تسنیم به نقل از روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، مرضیه گرد، رئیس سازمان مدارس غیردولتی، در نشست یک‌روزه مدیران کل ۱۶ استان مناطق محروم و مرزی کشور اظهار کرد: با توجه به مشکلات فراوانی که در حوزه آموزش در این مناطق وجود دارد باید شرایطی در زمینه عدالت آموزشی فراهم شود تا بتوانیم فرزندان تربیت کنیم که بتوانند بعد از آموزش‌های لازم وارد بازار کار شوند. وی افزود: زمانی به تعلیم و تربیت ایده‌آل در کشور دست می‌یابیم که بتوانیم دانش‌آموزان روستاها و مناطق محروم و مرزی را از حیث آموزش توانمند سازیم بخصوص در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاوه بر

افزایش دانش این افراد حرفه‌آموزی را نیز به آن‌ها یاد بدهیم (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴). گزارش‌هایی از این دست در منابع خبری نشان می‌دهد که این کار نیاز به همکاری همه‌جانبه بین نهادهای مختلفی همچون دولت، آموزش و پرورش، مسئولین محلی، استانداری، مؤسسات پژوهشی و... برای شناسایی و رفع این آسیب‌ها دارد.

ثبات و پایداری مرزها نشان‌دهنده قدرت و اقتدار سیاسی هر کشوری است؛ از آنجاکه نهاد آموزش و پرورش به خاطر تکیه بر گسترده‌ترین سرمایه ملی بیش‌ترین سهم را در رشد، سازندگی و اعتلای ملی ایفا می‌کند و رسیدن به کشوری برتر در منطقه به‌عنوان آرمان سند چشم‌انداز بیست‌ساله ملی، بدون توجه به رشد و بالندگی این نهاد ممکن نیست، هرگونه بازکاوی و بررسی کنونی این نهاد خصوصاً در مناطق آسیب‌پذیر مرزی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به مطالب یاد شده پژوهشگران در این تحقیق سعی دارند تا با محدود کردن موضوع به مناطق مرزی جنوب شرقی ایران، بر روی فهم و بررسی آسیب‌های اجتماعی موجود بر سر راه تعلیم و تربیت این مناطق تمرکز کنند و با فهم و شناسایی مؤلفه‌های آسیب‌زای اجتماعی از دیدگاه معلمان و مدیرانی که در این مناطق خدمت می‌کنند و همچنین بررسی سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، راه‌کارهایی عملی برای بهبود وضعیت آموزشی در این منطقه ارائه نمایند.

پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت در مناطق مرزی عرصه‌ای جدید و بدون پیشینه درخور توجه است، از این رو نوشتار حاضر، تنها مقدمه‌ای در این باب است و نگارندگان امید دارند تا با انجام چنین پژوهش‌هایی باب تحقیق و پژوهش در این مبحث بیش‌تر گشوده گردد. چراکه هنوز تحقیق نظری یا میدانی درخور توجه، معتبر و جامعی در این باره وجود ندارد. متأسفانه علاوه بر این که پژوهش نظام‌مند و بنیادین در این زمینه نداریم؛ از پژوهش‌های تجربی یا میدانی که بتواند بیانگر وضعیت موجود در زمینه تعلیم و تربیت در مناطق مرزی کشور باشد، نیز بی‌بهره می‌باشیم. تحقیقات صورت گرفته هم، عمدتاً به صورت کمی، مستقل و منفک انجام گرفته‌اند؛ لذا تعداد اندکی از پژوهش‌ها به صورت کیفی انجام گرفته‌اند که در دو دسته جای می‌گیرند. پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت در مناطق مرزی عرصه‌ای جدید و بدون پیشینه درخور توجه است، از این رو نوشتار حاضر، تنها مقدمه‌ای در این باب است و نگارندگان امید دارند تا با انجام چنین پژوهش‌هایی باب تحقیق و پژوهش در این مبحث بیش‌تر

گشوده گردد. چراکه هنوز تحقیق نظری یا میدانی درخور توجه، معتبر و جامعی در این باره وجود ندارد. متأسفانه علاوه بر این که پژوهش نظام‌مند و بنیادی در این زمینه نداریم؛ از پژوهش‌های تجربی یا میدانی که بتواند بیانگر وضعیت موجود در زمینه تعلیم و تربیت در مناطق مرزی کشور باشد، نیز بی‌بهره می‌باشیم. تحقیقات صورت گرفته هم، عمدتاً به صورت کمی، مستقل و منفک انجام گرفته‌اند. لذا تعداد اندکی از پژوهش‌ها به صورت کیفی انجام گرفته‌اند که در دو دسته جای می‌گیرند. در دسته اول، محققان، به دنبال شناسایی چالش‌های فراروی امنیت در مناطق مرزی و ارائه راهکارها برای کاهش ناامنی در این مناطق هستند و گروهی به نقش آموزش و پرورش در ایجاد امنیت و پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی اشاره داشته‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

سعیدی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت عنوان «مرزها و امنیت اجتماعی، چالش‌های فراروی امنیت در مناطق مرزی و راهکارهای اجرایی آن» نشان می‌دهد که اگر مردم این مناطق به لحاظ مسائل اقتصادی دلگرم باشند، تأثیرات مخرب سیاسی و امنیتی هدایت شده و به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. مسئله دیگر اینکه اگر به دنبال کاهش اقتصاد غیررسمی در مرزهای کشور هستیم باید شرایط معیشتی مردم آن مناطق را بهبود بخشیم ایجاد بازارچه‌های مرزی توسط دولت در سال‌های اخیر به عنوان ایجاد تمهیدی برای مرزنشینان تلقی می‌گردد و بسیاری از نقاط مرزی که تا آن موقع عمدتاً به عنوان نقاط امنیتی بودند از امتیازاتی نظیر سازمان‌دهی مبادلات و تعاملات رایج در این مناطق برخوردار شدند.

عبدالله‌آبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای نوین پرورشی - با در نظر گرفتن اقتضائات جغرافیایی و مذهبی مناطق مرزی» با بیان این که آموزش و پرورش از نهادهای بسیار مهم در رشد و توسعه کشور از دید اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. نویسنده بیان می‌دارد که از جایی که یک‌سوم دانش‌آموزان کشور در مناطق مرزی تحصیل می‌کنند و این مناطق به دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای هم‌جوار مورد حمله و هجوم حملات فرهنگی و تبلیغات سوء فرهنگی هستند نیازمند توجه ویژه و بازنگری در امر آموزش این مناطق هستیم. عبدالله‌آبادی راهکارهایی را جهت تربیت نسل جوان در این مناطق پیشنهاد می‌کند از جمله می‌توان به طرح کتابخانه‌های متعدد برای بالا بردن سطح فرهنگی، زیر پوشش بردن مناطق مرزی از جانب

صدا و سیمای استانی و تولید برنامه‌های متناسب با شرایط خاص این مناطق، توسعه مراکز فنی و حرفه‌ای و توسعه مراکز شبانه‌روزی اشاره کرد. از طرفی ایجاد خلاقیت، ابتکار، تحرک علمی، روحیه پرسش‌گری، ترویج فرهنگ کار و تلاش، میدان‌گشایی برای تولید و ایجاد فرصت فکر کردن از جمله اقداماتی می‌داند که می‌توانند به اشاعه فرهنگ دینی و اسلامی بیانجامد.

سید اصیل (۱۳۹۰) در مقاله «آسیب‌شناسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی» ضمن بیان ویژگی‌های مناطق مرزی به عنوان آسیب‌پذیرترین نقاط کشور به نقش حساس فرهنگیان و مربیان آموزشی در آگاه‌سازی جوانان و نوجوانان از برنامه‌ها و اهداف شوم بیگانگان اشاره کرد و به منظور بالا بردن سطح آموزشی و انجام فعالیت‌های موفق تربیتی دانش‌آموزان راهکارهایی را پیشنهاد می‌کند از جمله این راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: وضع یک سیاست مشخص در قبال نابرابری فرصت‌های آموزشی، کنترل شرایط تحصیلی، تحقیق پیرامون برابری فرصت‌ها، حمایت منابع انسانی درون و بیرون نظام آموزشی، تشکیل یک سیستم دقیق و منطقی برای جمع‌آوری شکایات، ارتقای امکان مداخله دولت در مسئله نابرابری فرصت‌های آموزشی بر اساس تغییر مثبت، اصلاح رهنمودهای تنظیم برنامه و نظام قانون‌گذاری آموزش و پرورش و انجام برنامه‌های آموزشی و پرورشی به منظور مقابله با تبلیغات مخرب به لحاظ آسیب‌پذیری بیش‌تر در مناطق مرزی و یافتن استعدادها بالقوه جهت شکوفایی.

گل‌وردی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی» نواحی مرزی را به‌طور ماهوی و از لحاظ فرهنگی و اجتماعی معمولاً و بخصوص در جهان امروزی، تحت تأثیر دو دسته تغییرات و تحولات می‌داند؛ نخست، تغییرات و تحولات درون مرزی و دیگر، تغییرات و تحولات برون مرزی. گل‌وردی کنترل مرزها را با این نگاه که مرزها پیوسته آستان تهدیداتی هستند نه تنها صحیح نمی‌داند بلکه در پیشبرد اهداف ملی و هموارسازی راه توسعه عمومی کشور نیز ناکارآمد می‌داند. نویسنده در پایان مقاله ابتدا مسائل و محدودیت‌های کلی مناطق مرزی را که شامل تنوع محیطی - اکولوژیک مرزها از لحاظ عوامل جغرافیایی، پراکنش و تراکم ناچیز جمعیت، غلبه مکانی - فضایی اقلیت‌های قومی و مذهبی، ناامنی اجتماعی - اقتصادی در کنار مسائل امنیتی و انتظامی و بالاخره توسعه‌نیافتگی نسبی در مقایسه با نواحی داخلی را بیان می‌کند و مسائل و محدودیت‌ها و همچنین امکانات، قابلیت‌ها و

فرصت‌هایی را در راه توسعه فرهنگی و اجتماعی نواحی مرزی معرفی کرده و به تشریح هر یک از موارد به‌طور مجزا می‌پردازد.

فتحی و حاتمی ورزنه (۱۳۹۱) طی پژوهشی با عنوان «رابطه بین آسیب‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی و بررسی نقش پیشگیرانه آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی» نویسندگان نقش آموزش و پرورش را در پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی و تقویت اجتماعی را در سه محور کلی معرفی می‌کنند. اولی، مبارزه با بی‌سوادی و ترغیب افراد به اتمام دوره تحصیلات متوسطه؛ دومی، استفاده کارآمد نهاد آموزش و پرورش از نقش جامعه‌پذیری دانش‌آموزان؛ و سومی، آموزش مهارت‌های زندگی در پایه‌های تحصیلی دوره‌های تعلیمات عمومی. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی باید توجه ویژه‌ای به نهاد آموزش و پرورش داشت و با انجام طرح‌ها و برنامه‌های علمی بدون علاوه بر داشتن جامعه امن از صرف هزینه‌های بسیار زیاد برای امور قضایی و کیفری مجرمین در جامعه صرفه‌جویی نمود.

دیدگاه صاحب‌نظران

جدیدترین دسته‌بندی نظریه‌های مربوط به کج‌رفتاری اجتماعی تقسیم‌بندی نظریه‌های این حوزه به دو گروه (۱) اثبات‌گرا و (۲) ساختن‌گرایی است. اثبات‌گرایان کج‌رفتاری را پدیده‌ای واقعی، عینی و جبری می‌دانند که می‌توان آن را از سایر انواع رفتار متمایز، مشاهده و اندازه‌گیری کرد. علل کج‌رفتاری را نیز خارج از اراده و اختیار کج‌رفتار می‌دانند؛ اما رویکرد ساختن‌گرایی به کج‌رفتاری، نسبی‌گرا و ذهن‌گرا است و کج‌رفتاری را عملی ارادی می‌دانند که با اختیار شخص انجام می‌شود (تیو، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱). پارادایم اثبات‌گرا: سه دسته مهم نظریه‌ها در این پارادایم قابل تشخیص و تفکیک‌اند: (۱) نظریه فشار، (۲) نظریه یادگیری و (۳) نظریه کنترل.

در نظریه‌های فشار سؤال اصلی مثل هر نظریه دیگری در پارادایم اثبات‌گرایی این است که چرا مردم کج‌رفتاری می‌کنند و پاسخ کلی این نظریه به این سؤال، این است که عواملی در جامعه

1. Positivist paradigm

وجود دارند که بعضی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج‌رفتاری می‌کنند. رابرت مرتون^۱ در نظریه فرصت‌های مشروع افتراقی، انحراف را نتیجه عدم تعادل در نظام اجتماعی می‌داند او چنین ادعا می‌کند که نابسامانی زمانی بروز می‌کند که بین اهداف تأیید شده اجتماعی و امکانات لازم برای نیل به وسایل قابل دسترس و تأیید شده، عدم تعادل وجود داشته باشد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۳). کوهن^۲ مدعی است که فرزندان طبقات فرودست که مثل دیگر همسالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا با ارزش‌های طبقات متوسط آشنا و طالب منزلت‌های اجتماعی مقبول می‌شوند، در رقابت با همسالان طبقات بالاتر از خود، درمی‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند و برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دستیابی به منزلت، «خرده‌فرهنگ» بزهکاری‌ای تأسیس می‌کنند که نظام ارزشی آن درست نقطه مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار است (ناکامی منزلتی)؛ بنابراین اگر مرتون مدعی بود که شکاف بین اهداف و ابزار موجب کج‌رفتاری است، کوهن می‌گوید شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی موجب کج‌رفتاری می‌شود (کوهن، به نقل از صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۱۳). کلوارد و الین^۳ هم مدعی‌اند که فرض مرتون در مورد کمتر بودن فرصت‌های مشروع طبقات محروم برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی درست است اما این که فرض کرده است که این افراد در مواجهه با نبود فرصت‌های مشروع به طور خودکار و موفقیت‌آمیزی کج‌رفتاری می‌کنند، درست نیست، چون اعضای طبقات فرودست پس از مواجهه با فرصت‌های مشروع افتراقی با فرصت‌های نامشروع افتراقی هم مواجه می‌شوند (فرصت‌های نامشروع افتراقی). به بیان دیگر بسیاری از اعضای طبقات محروم حتی در طبقه خود، فرصت کم‌تری از بقیه دارند که از طرق نابهنجار به موفقیت نائل شوند؛ بنابراین درست است که برخی از اعضای طبقه پایین برای ارتکاب کج‌رفتاری تحت فشارند، اما لزوماً نمی‌توانند کج‌رفتاری کنند، چون از فرصت‌های (ابزار) نامشروعی که برای کج‌رفتاری لازم است، بی‌بهره‌اند (کلوارد و الین، به نقل از صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۱۴).

1. Merton

2. Cohen

3. Klvard and Elaine

نظریه‌های یادگیری اجتماعی

از این میان نظریه پیوند افتراقی سادرلند^۱ بیان می‌کند که افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کجرفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نویانه برخوردارند؛ علت اصلی کجرفتاری آن‌هاست (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۶).

نظریه انتقال فرهنگی انحراف را به‌عنوان رفتاری توجیه می‌کند که مانند هم‌نویایی^۲ آموخته می‌شود؛ یعنی از طریق ارتباط متقابل با سایر مردم فراگرفته می‌شود. طبق نظریه انتقال فرهنگی رفتاری که توسط فرهنگ حاکمه انحرافی تلقی می‌شود ممکن است از لحاظ یک خرده‌فرهنگ عملاً هم‌نویایی تلقی گردد (رابرتسون^۳، ۱۳۷۴: ۱۷۲). گلیزر^۴ مدعی است که نظریه سادرلند رویکردی ماشین‌انگارانه به کجرفتاران دارد و چنین می‌پندارد که تعامل با کجرفتاران شخص را به‌طور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور کجرفتارانه می‌کند (هویت‌پذیری افتراقی). با این کار قابلیت‌های تصمیم‌سازی و پذیرش نقش فرد نادیده گرفته شده است. گلیزر در تلاش برای اصلاح این تصویر ماشین‌انگارانه از کجرفتاران، اظهار داشته است که تعامل با کجرفتاران به‌خودی‌خود ضرری ندارد مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با کجرفتاران یکی بدانند و از آن‌ها هویت بگیرد (گلیزر، به نقل از رابرتسون، ۱۳۷۴)؛ بنابراین گلیزر علت اصلی کجرفتاری را دخالت متغیر سوم یعنی هویت‌پذیری از کجرفتاران یا هویت‌پذیری افتراقی می‌داند. برگس و ایگرز^۵ بر اساس نظریه تقویت در روانشناسی که می‌گوید: ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه رفتاری خاص و مجازات باعث توقف آن خواهد شد، نظریه سادرلند را مورد سؤال قرار داده‌اند (تقویت افتراقی). به بیان دیگر این دو مدعی-اند که صرف پیوند با کجرفتاران کسی را کجرفتار نمی‌کند بلکه همین افراد کجرفتاری را

1. Sutherland
2. Conformance
3. Robertson
4. Glaser
5. Burgess and Aykrz

در صورتی که نسبت به هم‌نواپی - با مقدار فراوانی و احتمال بیشتر - رضایت‌بخش‌تر باشد، به هم‌نواپی ترجیح خواهند داد. برگس و ایکرز بر اساس قانون نیروی تقویت افتراقی می‌گویند که اگر تعداد عواملی نیروهای تقویت‌کننده تولید کنند، آن عاملی بیش‌ترین احتمال وقوع را دارد که بیش‌ترین تقویت‌کننده را به لحاظ مقدار، فراوانی و احتمال، تولید کند (برگس و ایکرز، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳) بنابراین از نظر این‌ها دخالت متغیر سوم یعنی تقویت افتراقی، در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج‌رفتاری است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

نظریه‌های کنترل

نظریه کنترل انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می‌داند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۵). تراویس هیرسچی^۱ چنین بیان می‌کند که بستگی قومی به جامعه دارای چهار عنصر اصلی است، عنصر اول علاقه یا ارتباطات مهم با اشخاص معین دیگر است. کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این‌گونه مردمان را در نظر می‌گیرند و لذا مایل‌اند با مسئولیت عمل کنند. برعکس، کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و لذا بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخدر استعمال نمایند. عنصر دوم تعهد یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هرچقدر سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات خود، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد دلیل بیشتری دارند که هم‌نوا باشند تا که بتوانند از دستاوردهای خود حفاظت نمایند. برعکس، کسانی که سرمایه‌گذاری کمتری در جامعه کرده باشند خطر کم‌تری در ارتکاب انحراف می‌بینند و شاید فرصتی هم برای سود بردن از آن به دست آورند. عنصر سوم در پیوند با جامعه مشغولیت و گرفتاری یا مشارکت مداوم در فعالیت‌های غیر انحرافی است. وقت و انرژی محدود است؛ لذا شخصی که عموماً مشغول است، مثلاً به کار، سرگرمی، یا در زندگی خانوادگی، فرصت کمی دارد که در اعمال انحرافی مشارکت جوید. برعکس، «آدم بی‌کار و عاطل و باطل به کارهای شیطانی دست می‌زند» یعنی کسانی که بی‌کارند، یا در فعالیت‌های مرسوم دیگر مشغول و سرگرم نیستند فرصت بیشتری برای انحراف دارند. عنصر

1. Travis Hirschy

چهارم ایمان، یعنی وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی یک گروه است. اگر مردم قویاً باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی غلط است. مشارکت جستن در آن‌ها برایشان دور از تصور است. برعکس، کسانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات اجتماعی دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند. هیرسچی چنین نتیجه‌گیری می‌کند، گروهی که اعضایش بستگی‌های متقابل قوی داشته باشند بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

جان بریتویت^۱ هم در نظریه شرم‌نده‌سازی مثل هیرسچی علت وجود همنوایی در جامعه را کنترل رفتار افراد توسط عوامل مختلف می‌داند، اما هیرسچی شیوه این کنترل را «پیوند» فرد با جامعه می‌داند درحالی‌که بریتویت از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نده‌سازی نوعی ابراز عدم تأیید اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت شخص خلافکار است. بریتویت از دو نوع شرم‌نده‌سازی صحبت می‌کند (۱) شرم‌نده‌سازی جداکننده که طی آن کج‌رفتار، مجازات، بدنام، طرد و در نتیجه از جامعه هم‌نوایان تبعید می‌شود و (۲) شرم‌نده‌سازی پیونددهنده که ضمن اعلام درک احساس کج‌رفتار و نادیده گرفتن تخلف وی و حتی ابراز احترام به او، نوعی احساس تقصیر در او ایجاد و نهایتاً او را از ادامه کج‌رفتاری بازداشته و از بازگشت او به جمع هم‌نوایان استقبال می‌کند.

در رویکرد دکترین بازدارندگی فرض اصلی در این است که مجازات، یعنی کنترل اجتماعی از طریق بازداشت، محاکمه، زندان و یا اعدام مجرم-مانع ارتکاب جرم و عدم مجازات، مشوق کج‌رفتاری می‌شود؛ که هرچه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود (تیو، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۲).

1. John Braithwaite

پارادایم ساختن‌گرایی^۱

برساخت‌گرایان رویکردی ظریف‌تر و انسان‌گرایانه‌تر به کج‌رفتاری دارند و فرضیه‌های اصلی خود را بر «نسبت‌گرایی»، «ذهن‌گرایی» و «اختیارگرایی» استوار کرده است. کج‌رفتاری در این مجموعه نظری، در جامعه ساخته و پرداخته و به‌وسیله جامعه و در جامعه تعریف می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۴). نظریه برچسب^۲ با مسائل گوناگونی که سایر نظریه‌ها قادر به مقابله نبودند، رویارویی کرده و آن این است که انحراف را به‌عنوان فرآیندی توجیه می‌کند که توسط آن برخی از مردم موفق می‌شوند برخی دیگر را منحرف تعریف نمایند. این نظریه بر نسبی بودن انحراف تأکید دارد و ادعا می‌کند که یک شخص یا یک عمل تنها زمانی انحرافی می‌شود که «برچسب» انحراف توسط دیگران بر آن زده شده باشد. به همین مناسبت، طرفداران نظریه مزبور معتقدند که روش برچسب خوردن به‌عنوان منحرف و نه عمل انحرافی مردم، باید مورد توجه عمده جامعه‌شناس قرار گیرد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

این رویکرد، کج‌رفتاری را مفهومی ساخته جامعه می‌داند، یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آن‌ها کج‌رفتاری محسوب می‌شود، مفهوم کج‌رفتاری را می‌سازند. از این منظر، کج‌رفتاری، ویژگی رفتاری که انجام شده، نیست بلکه نتیجه اعمال قوانین و مجازات مربوطه در مورد فردی است که آن رفتار را انجام داده است. کج‌رفتار کسی است که این انگ به‌طور موفقیت‌آمیزی در مورد او به کار رفته و کج‌رفتاری عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند (بکر، به نقل از صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۷). طرفداران اولیه این نظریه عمدتاً ادوین لمرت و هوارد بکر^۳ بودند. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۷).

در نظریه پدیدارشناختی^۴ تلاش این است که به بخش اندرونی ذهن افراد وارد شود و به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، احساس، درک و دریافت و عقیده آن‌ها پردازد. فرض اصلی نظریه پدیدارشناختی این است که همه افراد، چه کج‌رفتار انگ خورده و چه کج‌رفتار انگ

1. Paradigm Constructivism
2. Labeling theory
3. Edwin Lmrt and Howard Becker
4. Phenomenological theory

زننده، در بساخت، تعریف یا تفسیر خود از کج رفتاری، کاملاً ذهنی عمل می کنند، هر چند ممکن است ادعای عینی بودن داشته باشند (تیو، به نقل از صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۲۸).

طبق نظریه تضاد^۱ جوامع مدرن صنعتی به جای وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی که از ویژگی های عمده جوامع سنتی بود، تضادهای اجتماعی و فرهنگی متعدد و متنوعی از خود بروز دادند که حاکی از ماهیت متکثر، پیچیده و ناهمگون آنهاست. تضادهای اجتماعی به منافع، نیازها و مطالبات ناسازگار گروه های متنوع مربوط می شود. تضاد فرهنگی به هنجارها و ارزش های ناسازگاری می پردازد که از آن تعریف های درست و غلط می شود؛ یعنی آنچه در یک خرده فرهنگ، درست تلقی شده در خرده فرهنگ دیگر آن را نادرست می پندارند. تضادگرایان عمدتاً مدعی اند که توزیع افتراقی قدرت در جوامع متکثر موجب می شود که برخی گروه هایی که از سهم کافی از قدرت برخوردارند بتوانند قوانین و مقرراتی تصویب کرده و به اجرا گذارند که به ضرر و زیان منافع گروه های رقیب و در خدمت منافع خودشان باشد (کوئینی، به نقل از صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۳۴). در نظریه آنومی^۲ دورکیم که از جمله نظریه پردازان قرن نوزدهم است، به تحلیل کج رفتاری از دیدگاه جامعه شناسی پرداخته، دورکیم کوشش کرد تا آنچه را اجتماعی است تبیین کند و این شامل پدیده کج رفتاری نیز می گردد. کج رفتاری تا جایی مورد توجه است که یک پدیده اجتماعی در قالب یک ساخت اجتماعی است. اگر بخواهیم کج رفتاری را از دیدگاه دورکیم تعریف کنیم باید بگوییم عملی که «بعضی از احساسات جمعی را جریحه دار می کند» یعنی کج رفتاری یک پدیده نسبی است. یک نظم اجتماعی خاص در یک دوره تاریخی خاص عملی را جرم یا جنایت به حساب می آورد و احساسات جمعی به آن برانگیخته می شود. در این صورت کج رفتاری نوعی از رفتار است که در قالب یک ساخت اجتماعی واقع می شود و در عین حال در درون همان ساخت هم هنجارشکنی به حساب می آید. دورکیم در تعریف و تحقیق در مورد کج رفتاری از روش علمی و بی طرف استفاده می کند؛ یعنی به بررسی یک واقعیت اجتماعی و کشف علل وقوع آن بدون هیچ نوع قضاوت اخلاقی می پردازد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۵۵).

1. Conflict Theory
2. Durkheim Anomie Theory

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

- مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی جنوب شرقی ایران کدام‌اند؟

پرسش‌های جانبی

- مهم‌ترین مشکلات و تنگناهای ناشی از آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی در حوزه تعلیم و تربیت از دیدگاه معلمان و مدیران کدام‌اند؟
- از دیدگاه معلمان و مدیران چه راهکارهایی برای کاهش احتمالی آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد؟
- در سند تحول بنیادین تا چه حد به مشکلات و تنگناهای ناشی از آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی و راهکارهای مقابله با آن‌ها توجه شده است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استناد به دیدگاه کرسول^۱، پژوهش کیفی است کرسول (۱۹۹۴). طرح تحقیق پیش‌رو از نوع حدوثی^۲ یا پیدایشی است، در این طرح، هم‌زمان با گردآوری داده‌ها به تجزیه و تحلیل آن‌ها اقدام گردیده است (میکات و مورهوس^۳، ۱۹۹۴: ۴۴). گردآوری داده‌های کیفی در محیط طبیعی رخ می‌دهد؛ از این رو با توجه به پارادایم تحقیق (کیفی) و طرح تحقیق پیدایشی و نیز با توجه به موضوع پژوهش، محققان برای گردآوری داده‌های موردنیاز در این پژوهش از دو روش اسنادی و مصاحبه عمیق استفاده نموده و خود محققان به عنوان ابزار تحقیق به گردآوری داده اقدام نمودند. پژوهشگران، در بخش اسنادی، مؤلفه‌های مربوط به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت در مناطق مرزی را از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استخراج کرده و از روش

1. John W. Creswell
2. Emergent
3. Maykut and Morehouse

تحلیل محتوای رابطه‌ای^۱ (پالم کوئیست، به نقل از مزیدی، ۱۳۸۳) یا تحلیل محتوای استقرایی^۲ (میرینگ، ۲۰۰۰؛ به نقل از مزیدی، ۱۳۸۳)^۳ استفاده کرده و به تحلیل محتوای آن‌ها پرداخته‌اند. در قسمت مصاحبه عمیق نیز جمعاً با ۱۷ تن از معلمان، مدیران باتجربه، تحصیل کرده‌ها و فعالان فرهنگی منطقه مورد مطالعه مصاحبه عمیق انجام دادند. لازم به ذکر است که در انتخاب افراد مورد مطالعه، محققان به شیوه هدفمند عمل نموده و از قاعده‌ی نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۴ و اصل اشباع‌شدگی^۵ (رسیدن به نقطه‌ای که اطلاعات جدیدتری از طرف افراد مورد مطالعه به دست نیاید و داده‌های جدید تکراری باشند) استفاده نمودند.

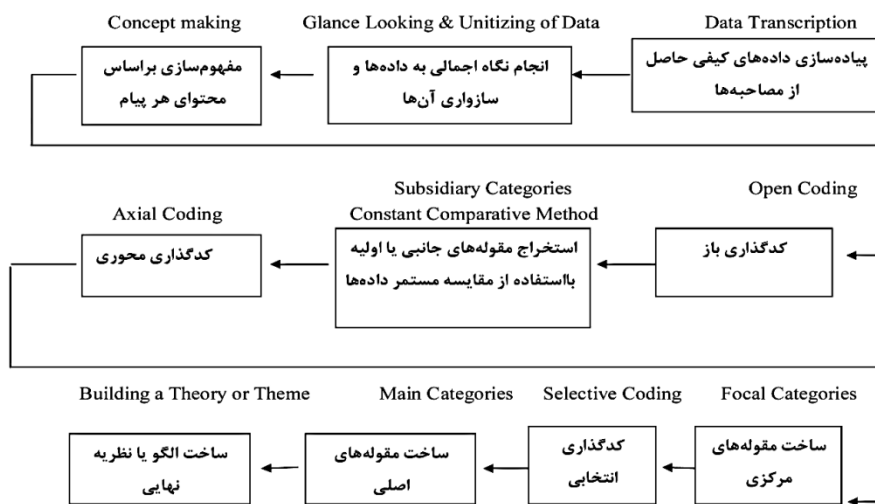
رویکرد مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش تحلیل محتوای سند تحول بنیادین، توصیفی-تفسیری و برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها، از رویکرد تفسیری-تجربیدی، در چارچوب نظریه داده مینا (GT)، استفاده به عمل آمد. بدین صورت که پژوهشگران ابتدا مصاحبه و اسناد مورد نظر را بررسی و هم‌زمان با گردآوری داده‌های مرتبط با موضوع، آن‌ها را تجزیه و تحلیل و در نهایت به استخراج مقوله‌ها پرداختند. تجزیه و تحلیل داده‌های سند تحول، به شیوه تحلیل محتوای رابطه‌ای یا استقرایی انجام شد که در آن از شیوه مقایسه مستمر داده‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع نظری، یعنی حصول اطمینان از عدم دستیابی به اطلاعات جدیدتر، استفاده گردید. در این پژوهش برای اعتبارسنجی، از روش ساخت مسیر ممیزی و روش‌های چندگانه جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. در روش مسیر ممیزی محققان با بیان آنچه از آغاز تا پایان انجام داده مخاطبان را در جریان مسیر پیموده شده در فرایند پژوهش قرار می‌دهند. در استفاده از روش‌های چندگانه گردآوری داده‌ها، همان‌گونه که بیان گردید، محققان از دو روش مصاحبه عمیق و روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده نموده‌اند. هم‌چنین برای سنجش میزان مرتبط بودن مقوله‌های استخراجی از سند تحول بنیادین با آسیب‌های اجتماعی مناطق مرزی، نظرات تنی چند از اساتید مجرب تعلیم و تربیت در این مورد احراز گردید.

1. Relational Content Analysis
2. Inductive Content Analysis
3. Mayring
4. Maximum Variation Sampling
5. Saturation

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اول تا سوم، از رویکرد (GT) نظریه داده‌مبنا استفاده گردید. تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش بر مبنای این رویکرد به این صورت بود که پس از نوشتن متن مصاحبه تمامی مصاحبه‌شوندگان، ابتدا با نگاه اجمالی^۱ به داده‌ها، زمینه سازواری^۲ آن‌ها را فراهم آورده و به ساخت مفاهیم^۳ اولیه اقدام نمودیم. سپس هم‌زمان با ساخت مفاهیم، به شیوه کدگذاری باز^۴، کدهای مربوط به هر مفهوم تعیین و تخصیص داده شدند. در مرحله بعد با کنار هم قرار دادن نکات کلیدی و مقایسه مستمر آن‌ها^۵ مقوله‌های اولیه یا جانبی^۶ شکل گرفتند. سپس، در چارچوب همین رویکرد، با استفاده از روش مقایسه مستمر داده‌ها، از بین مقوله‌های جانبی، موارد مشترک تشخیص داده شد و با تخصیص کدهای محوری^۷، مقوله‌های مرکزی^۸ را استخراج نمودیم. در مرحله نهایی، پژوهش‌گران با استفاده از روش کدگذاری گزینشی یا انتخابی^۹، به استخراج مقوله اصلی یا الگویی نظری در رابطه با موضوع مورد مطالعه اقدام نمودیم (شکل ۱).

1. Glance Looking
2. Unitizing Of Data
3. Concept Making
4. Open Coding
5. Constant Comparative Method
6. Subsidiary Categories
7. Axial Coding
8. Focal Categories
9. Selective Category



شکل ۱. الگوی ساخت مفاهیم (اقتباس از مزیدی، ۱۳۹۳)

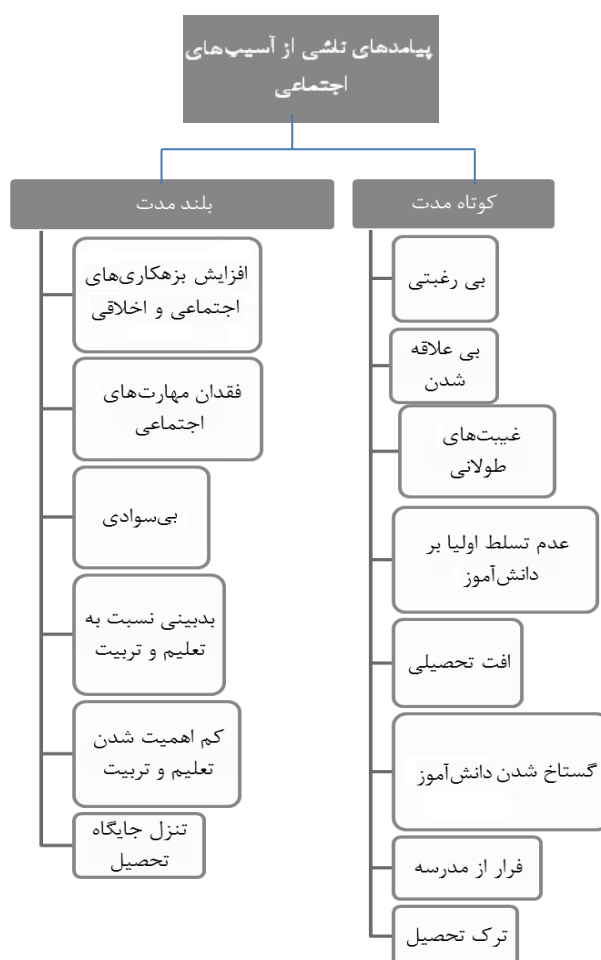
پاسخ به سؤال اصلی: - مهم ترین آسیب های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی جنوب شرقی ایران کدامند؟

جدول ۱. مقوله های جانبی و مرکزی آسیب های اجتماعی در مناطق مرزی

مقوله های مرکزی	مفاهیم اولیه و مقوله های جانبی
تنگناهای اقتصادی	عدم توسعه یافتگی تبعیض اقتصادی دغدغه اشتغال فقر اقتصادی
آسیب های فرهنگی و اجتماعی	ناامنی اخلاقی تعارضات فرهنگی فقر فرهنگی جمعیت بالای خانواده ها بی ثباتی خانواده ها
آسیب های آموزشی	ضعف اقتصادی آموزش و پرورش ضعف سیستم آموزش و پرورش نابرابری آموزشی
تنگناهای مذهبی	افراطی گری مذهبی سواد پایین مذهبی

با توجه به استخراج مقوله‌های مرکزی (اولیه)، پژوهشگر با ارتباط دادن میان مقوله‌های مرکزی و همچنین از طریق کدگذاری انتخابی به این نتیجه دست یافت که مقوله‌های مرکزی در طبقه‌های بزرگ‌تری تحت عنوان تنگناهای اقتصاد، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، آسیب‌های آموزشی و تنگناهای مذهبی، جای می‌گیرند.

پرسش دوم: مهم‌ترین مشکلات و تنگناهای ناشی از آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی در حوزه تعلیم و تربیت از دیدگاه معلمان و مدیران کدام‌اند؟



شکل ۲. پیامدهای ناشی از بروز آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی

در پاسخ به پرسش دوم مصاحبه‌شوندگان عوامل متعددی را به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی بیان کرده‌اند که پژوهشگر با بررسی آن‌ها به این مهم دست یافت که ریشه این آسیب‌ها مربوط به آموزش و پرورش، مذهب، اقتصاد، فرهنگ و جامعه است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان این عوامل منجر به بروز پیامدهایی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی شده‌اند، این پیامدها به‌صورت مرحله‌ای بروز می‌کند بدین صورت که در مراحل اولیه و در کوتاه‌مدت آسیب‌ها منجر به بروز مشکلاتی از جمله بی‌انگیزه شدن، افت تحصیلی و یا غیبت‌های طولانی مدت شده اما مراحل بعدی و در درازمدت منجر به فرار از مدرسه و ترک تحصیل دانش‌آموز می‌شود که در صورت عدم بازگشت مجدد به محیط آموزش، در طولانی مدت به بی‌سوادی وی منجر می‌شود و یا اینکه به دلیل بیکار شدن جوانان و نداشتن مسئولیت درس خواندن فسادهای اخلاقی در محیط زندگی این افراد افزایش می‌یابد. به‌طور خلاصه آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت پیامدهایی را به همراه دارد و هریک از این پیامدها تأثیرات متقابلی نیز بر هم دارند که در شکل ۲ نشان داده شده است.

پرسش سوم: از دیدگاه معلمان و مدیران چه راهکارهایی برای کاهش احتمالی

آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد؟

آنچه از مقایسه مستمر داده‌های مربوط به سؤال سوم فهم می‌شود حاکی از آن است که راهکارهای ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان، با آسیب‌های اجتماعی تا حدودی در تقابل هستند و آسیب‌های موجود در زمینه‌های اقتصاد، فرهنگ، آموزش و پرورش، خانواده و مذهب راهکارهای خاص خود را می‌طلبند که در جدول (۲) به‌طور خلاصه نمایش داده شده است. لازم به ذکر است که راهکارهای مربوط به خانواده در ذیل راهکارهای حوزه فرهنگ و آموزش و پرورش جای گرفتند.

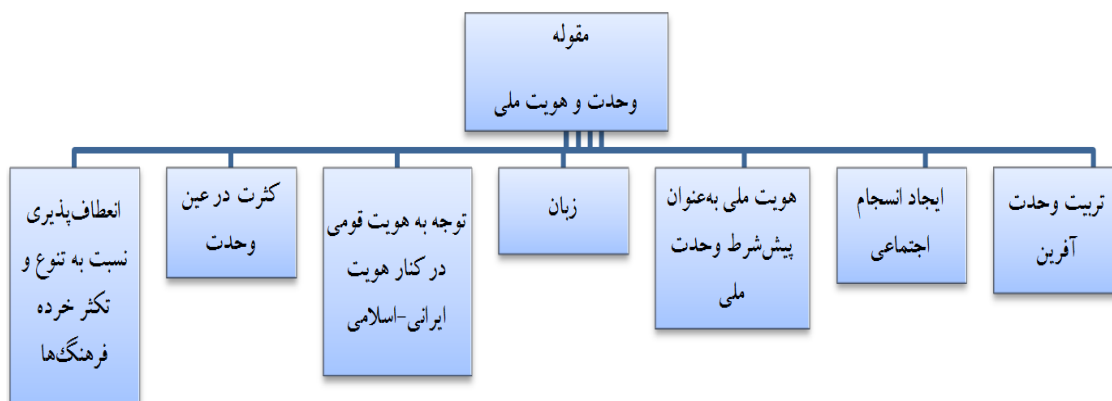
جدول ۲. راهکارهای استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

راهکارها	آسیب‌ها
توسعه تعاملات فرهنگی و اجتماعی اهالی حمایت از تحصیل کرده‌ها توسعه تعاملات اجتماعی دانش آموزان آگاهی دادن و باسواد کردن خانواده‌ها آموزش دادن به خانواده‌ها فرهنگ‌سازی به کمک عوامل فرهنگ‌ساز جامعه	فرهنگ و اجتماع
ساخت مدارس در مقاطع مختلف پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان حمایت از معلمان تقویت خروجی‌های آموزش و پرورش توجه ویژه آموزش و پرورش به مدارس این مناطق تشریک مساعی با خانواده‌ها آموزش زبان فارسی از دوره پیش‌دبستانی	آموزش و پرورش
کاهش فاصله‌های مذهبی آموزش مذهبی	مذهب
تجهیز مدارس مرزی اشغال‌زایی و رفع مشکلات اقتصادی افزایش امکانات روستانشین‌ها	اقتصاد

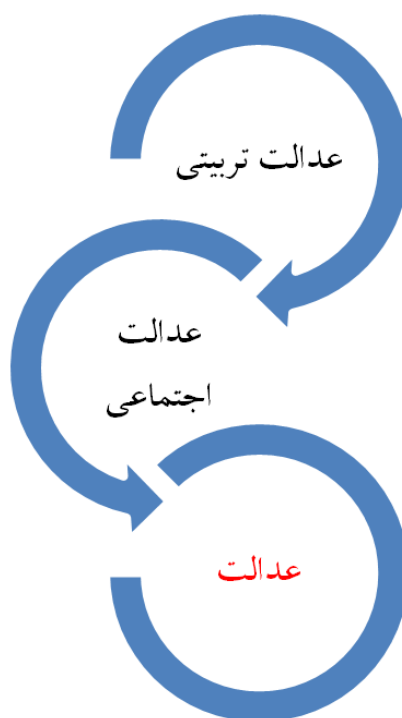
پرسش چهارم: در سند تحول بنیادین تا چه حد به مشکلات و تنگناهای ناشی از آسیب‌های

اجتماعی در مناطق مرزی و راهکارهای مقابله با آن‌ها توجه شده است؟

به‌منظور پاسخگویی به سؤال چهار پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای رابطه‌ای یا استقرایی، با تخصیص کدهای اعتباری باز و محوری، به استخراج مقوله‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی مناطق مرزی از متن سند تحول آموزش و پرورش اقدام نمودیم. پس از مطالعه مستمر سند، پژوهشگران مقوله‌هایی را از دل سند استخراج نمودند که نتایج آن به‌طور مختصر در شکل ۳ و شکل ۴ نشان داده شده‌اند.



شکل ۳. مقوله‌های استخراجی از متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مربوط به مؤلفه وحدت و هویت ملی



شکل ۴. مقوله‌های استخراجی از متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مربوط به مؤلفه عدالت

بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود در راه رشد و پیشرفت با انبوهی از مشکلات، آسیب‌ها و ضعف‌ها روبه‌روست که تأثیرات مخربی روی فرایند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعادل هموار سازد. ایران کشوری متنوع از نظر قومی است، اقوام در ایران به شکل اقلیت‌های پنج‌گانه در مناطق و استان‌های مرزی پراکنده شده‌اند. از دیرباز مناطق مرزی علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی و غنی و موقعیت ویژه جغرافیایی در رتبه‌های پایین توسعه و محرومیت‌ها قرار داشته‌اند و از جمله این محرومیت‌ها در زمینه تعلیم و تربیت این مناطق است؛ با عنایت به این که از مؤلفه‌های توسعه پایدار در جامعه بهبود وضعیت تعلیم و تربیت و پیشرفت آن است و با توجه به این که تاکنون تحقیق جامع و درخور توجهی در مورد مسائل و آسیب‌های اجتماعی تعلیم و تربیت در مناطق مرزی جنوب شرقی ایران انجام نشده است؛ پژوهش حاضر سعی داشته تا با شناسایی آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی و با تأکید بر جنوب شرقی ایران و شناسایی پیامدهای ناشی از این آسیب‌ها راهکارهایی را جهت کاهش احتمالی این آسیب‌ها ارائه نماید؛ پژوهشگران هم‌چنین با بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مؤلفه‌های آسیب‌زای اجتماعی در مناطق مرزی و راهکارهای رفع آن‌ها را با شیوه تحلیل محتوای استقرایی استخراج کرده‌اند.

نتایج حاصل از بررسی و مقایسه مستمر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در این پژوهش و در پاسخ به پرسش اول، نشان داد که آسیب‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت مناطق مرزی جنوب شرقی ایران در چهار مقوله، آسیب‌ها و تنگناهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی و مذهبی خلاصه گردید، لازم به ذکر است هر کدام از این مؤلفه‌ها زیر مقوله‌هایی نیز دارند. تنگناهای اقتصادی در زیر مقوله‌های آن، عدم توسعه‌یافتگی، تبعیض اقتصادی، دغدغه اشتغال و فقر اقتصادی خلاصه گردید؛ بنابر نظریه تراویس هیرسچی که یکی از صاحب‌نظران اثبات‌گرا است، کسانی که بیکارند یا در فعالیت‌های مرسوم دیگر مشغول و سرگرم نیستند، فرصت بیشتری برای انحراف دارند (رابرتسون، ۱۳۷۴). مرتون یکی دیگر از صاحب‌نظران اثبات‌گرا نیز معتقد است، انباشت ثروت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی در

جوامع صنعتی است که البته دستیابی به این هدف نیازمند دسترسی به ابزارهای مقبولی است که از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است اما چون این هدف به آرمان اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت تأثیر فشار جامعه از ابزارهای نامشروع استفاده می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳). عدم توسعه‌یافتگی و بیکاری در بین ساکنان مناطق مرزی سبب شده تا برخی افراد برای فرار از فقر به فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق بپردازند.

آسیب‌های حوزه فرهنگ و اجتماع و زیر مقوله‌های آن عبارت‌اند از تعارض فرهنگی، ناامنی اخلاقی، فقر فرهنگی، جمعیت بالای خانواده‌ها و بی‌ثباتی خانواده‌ها؛ طبق نظریه انتقال فرهنگی رفتاری که توسط فرهنگ حاکمه انحرافی تلقی می‌شود ممکن است از لحاظ یک خرده‌فرهنگ، عملاً هم‌نواپی تلقی گردد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۲). فرهنگ حاکم بر جوامع مرزی با فرهنگ عامه مردم متفاوت است؛ محرومیت فرهنگی در محیط‌های مرزی و حاشیه‌ای و عدم توجه به تحصیلات به‌خصوص برای دختران، باعث شده که نگرانی خانواده‌ها نسبت به این مسئله ناچیز بوده و گاهی نیز خودشان دختران را مجبور به رها کردن مدرسه کنند. هر دانش‌آموزی طبقه اجتماعی و فرهنگ خاصی دارد؛ طبقه محروم بر این باورند که تحصیلات عالی‌ه خاص آنان نیست، چون اکثر اطرافیان هم مثل خودشان هستند، ترک تحصیل را بد ندانسته و خود را چندان لایق ادامه تحصیل نمی‌دانند. آسیب‌های آموزشی و زیر مقوله‌های آن یعنی نابرابری آموزشی، ضعف اقتصاد آموزش و پرورش و ضعف سیستم آموزشی؛ نابرابری در توزیع امکانات آموزشی و فرصت‌های تربیتی و ضعف سیستم آموزشی در توزیع نامناسب منابع انسانی از منظر مصاحبه‌شوندگان جزو عواملی است که باعث افت تحصیلی در مناطق مرزی شده است.

آسیب‌های حوزه مذهب در مناطق مرزی و زیر مقوله‌های مذهبی آن، در افراطی‌گری مذهبی و سواد پایین مذهبی؛ خلاصه می‌شوند. هیرسچی بیان می‌کند؛ گروهی که اعضایش بستگی‌های متقابل قوی داشته باشند بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند این همبستگی ممکن است یکی از چهار عنصر همبستگی قومی از نظر هیرسچی، نظیر علاقه یا ارتباطات مهم با اشخاص، تعهد یا دینی که مردم نسبت به جامعه دارند، پیوند با جامعه و ایمان و وفاداری فرد نسبت به ارزش‌ها و اصول اخلاقی

باشد (رابرتسون، ۱۳۷۴). در صورتی که یکی از این همبستگی‌ها در میان اعضای یک گروه ضعیف باشد هم‌نوایی افراد با جامعه حاکم کم‌رنگ‌تر خواهد بود. نزدیک به نیمی از جمعیت استان هرمزگان به اقلیت سنی مذهب تعلق دارند که خود به دو گروه شافعی و حنفی تقسیم می‌شوند. در این میان جمعیت شافعی زمینه‌های قومی و تا حدودی اجتماعی و اقتصادی، هماهنگی و هم‌سویی بیش‌تری با نظام جمهوری اسلامی دارند. این در حالی است که به نظر می‌رسد در این گروه پتانسیل بیش‌تری در این زمینه نهفته است و با توسعه همه‌جانبه نواحی شافعی‌نشین امکان جذب و هضم بیش‌تر آن‌ها در جمعیت شیعه استان وجود دارد. در سیستان و بلوچستان و نواحی شرق هرمزگان حنفی‌ها با توجه به زمینه‌های فقهی، قومی (بلوچ) اقتصادی و اجتماعی هم‌سویی و هماهنگی کم‌تری با نظام جمهوری اسلامی دارند. اگرچه شکاف‌های موجود حداقل از بعد سیاسی-ایدئولوژیک در حال حاضر غیرفعال هستند، اما با نفوذ اندیشه‌های وهابی این شکاف‌ها روزبه‌روز بیش‌تر و فعال‌تر می‌شود. تنها فرقه موجود در این دو استان که شکاف‌های بنیادین با نظام جمهوری اسلامی دارد و یکی از مهم‌ترین تهدیدات در دهه آینده برای امنیت کشور محسوب می‌شود، فرقه وهابیت است. این فرقه توانایی فعال کردن گسل‌های مذهبی و سیاسی بین اهل تسنن و نظام جمهوری اسلامی را دارد و متأسفانه با حمایت آشکار و پنهان برخی از همسایگان روند رو به رشدی را طی می‌کند و به دلایل کاملاً کارشناسی شده‌ای مناطق توسعه‌نیافته را به‌عنوان جبهه فعالیت‌های خود انتخاب کرده است، چراکه اگر دولت در صدد توسعه و فعالیت بیش‌تر در این مناطق بر نیاید بدیهی است که فرقه مذکور موفقیت چشم‌گیری کسب خواهد کرد. این گروه بیش‌تر فعالیت خود را در بین اقشار پایین، کم‌سواد و مذهبی و عمدتاً روستایی اهل تسنن انجام می‌دهد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، پیامدهای ناشی از آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی در دو دسته پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی می‌شوند؛ این پیامدها ابتدا به صورت کوتاه‌مدت شامل، بی‌رغبتی، بی‌علاقه شدن به تحصیل، غیبت‌های طولانی، افت تحصیلی، فرار از مدرسه و ترک تحصیل بروز می‌کند و در طولانی‌مدت منجر به افزایش بزهکاری‌های اخلاقی و اجتماعی، فقدان مهارت‌های اجتماعی، بی‌سوادی، بدبینی نسبت به تعلیم و تربیت، تنزل جایگاه تحصیل و آموزش و پرورش می‌شوند.

به دنبال شناسایی آسیب‌های اجتماعی، پژوهشگران برای پاسخ به پرسش سوم تحقیق، پس از مقایسه مستمر داده‌ها راهکارهایی را جهت کاهش آسیب‌ها از متن مصاحبه‌ها استخراج نموده‌اند

که هر کدام به طور مجزا به کاهش احتمالی آسیب‌های مورد نظر منجر می‌شوند. برای رفع تنگنایهای اقتصادی، راهکارهایی همچون: تجهیز مدارس مرزی، اشتغال‌زایی و افزایش امکانات مناطق مرزی؛ که با نتایج تحقیق سعیدی و اسماعیل زاده (۱۳۸۹) از این لحاظ که اگر مردم در این مناطق به لحاظ مسائل اقتصادی دلگرم باشند تأثیرات مخرب سیاسی و امنیتی هدایت شده در این مناطق به طور چشمگیری کاهش می‌یابد تا حدودی هم‌خوانی دارد. با توجه به آسیب‌های اجتماعی همچون فقر، بیکاری و اشتغال کاذب در مناطق مرزی و تأثیرات منفی آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، ضروری است تا ابتدا به رفع این موانع و محدودیت‌ها پرداخته شود. دورکیم معتقد بود که اگر در جامعه‌ای تقسیم کار طبیعی وجود داشته باشد و همه افراد در شرایط مساوی بتوانند استعدادهای خود را پرورش دهند و شغلی مناسب با آن را به دست آورند، آمار کج‌رفتاری نیز کاهش خواهد یافت (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳). با رفع موانع و محدودیت‌های اقتصادی می‌توان به افزایش انگیزه تحصیلی فرزندان این منطقه هم امیدوار بود. بنابر دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، مناطق مرزی جنوب شرقی ایران دارای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های سرشاری برای سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی است. برای کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، توسعه تعاملات فرهنگی و اجتماعی اهالی و دانش‌آموزان، حمایت از تحصیل کرده‌ها، آگاهی‌دادن و باسواد کردن خانواده‌ها، آموزش خانواده و فرهنگ‌سازی، پیشنهاد شد؛ که با پژوهش عبدالله‌آبادی (۱۳۹۰) از منظر اهمیت نقش فرهنگیان در آگاه‌سازی جوانان و ارائه راهکارهایی برای بالا بردن سطح فرهنگی افراد و اشاعه فرهنگ دینی-اسلامی، ایجاد زمینه تحرک علمی، ترویج فرهنگ کار و تلاش و توسعه مراکز فنی و حرفه‌ای همخوانی دارد. برای کاهش آسیب‌های حوزه آموزش، راهکارهایی همچون؛ ساخت و تجهیز مدارس در مقاطع مختلف، پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان، حمایت از معلمان مناطق مرزی، آموزش زبان فارسی از دوره پیش‌دبستانی؛ که با نتایج حاصل از پژوهش فتحی و حاتمی ورز (۱۳۹۱) از لحاظ توجه به نقش آموزش و پرورش در پیشگیری و بروز آسیب‌ها و تقویت اجتماعی راهکارهایی جهت رفع این آسیب‌ها مانند مبارزه با بی‌سوادی و تشویق به اتمام دوره تحصیلات متوسطه، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و آموزش مهارت‌های زندگی همسو و هم‌جهت است. به منظور کاهش آسیب‌های مذهبی، راهکارهای همچون کاهش فاصله مذهبی و آموزش مذهبی استخراج شد؛ در استان هرمزگان و در برخی مناطق شیعیان و اهل تسنن باهم زندگی می‌کنند و در برخی مناطق این‌گونه نیست که توجه به این

مسئله را برای برنامه‌ریزان کلان‌کشوری و منطقه‌ای گوشزد می‌نماید، با توجه به سکونت اهل تسنن در نواحی مرزی و داشتن قرابت‌های مذهبی با جماعت آن سوی مرز (عربستان، پاکستان، امارات متحده عربی، عمان، کویت) می‌بایست توجه مذهبی آنان از بیرون به درون و به سمت علمای سیستان و بلوچستان و خود هر مزگان معطوف شود و با طرح سیاست‌های کلی در جهت وحدت هر چه بیشتر شیعیان و اهل تسنن گام برداشت و با درک نیازهای آنان، از آنان شهروندانی ایرانی ساخت که همیشه در ذهن خود، خود را شهروند ایرانی دارای حقوق مساوی با سایر شهروندان، با تابعیتی ایرانی بدانند و هرگونه کمک خارجی که احتمالاً به آن‌ها می‌رسد را دولت فراهم سازد. طبق نظریه کنترل که از آثار دورکیم متأثر است، هرچقدر افراد با اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند همبستگی بیشتری داشته باشند تمایل به تبعیت از مقررات آن جامعه را دارند درحالی که کسانی که از اجتماع خود بریده‌اند ممکن است تمایل به نقض مقررات جامعه را داشته باشند. نظریه هیرسچی نیز بیان می‌کند که عنصر ایمان یعنی وفاداری افراد به اصول اخلاقی و ارزش‌های یک گروه و وفاداری قوی به اعتقادات اجتماعی سبب می‌شود تا در اعمال انحرافی مشارکت نداشته باشند.

در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش، آنچه از بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان فهمید این است که، تأکید این سند بیش‌تر به وحدت ملی بین آحاد جامعه، تحقق عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای کلیه افراد جامعه به دور از تفاوت‌های مذهبی، قومی، زبانی و منطقه‌ای است. اگرچه پس از ابلاغ سند، آموزش و پرورش در جهت رفع محرومیت‌ها از مناطق دوردست و ایجاد برابری آموزشی بین مناطق مرکزی و حاشیه‌ای تلاش‌های زیادی انجام داده و در بسیاری موارد از جمله توسعه تجهیزات مدارس، افزایش مدارس در مقاطع تحصیلی مختلف تا حدودی موفق عمل کرده اما با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش هنوز هم آموزش و پرورش در تحقق کامل اهداف این سند با کاستی‌ها و کمبودهایی مواجه است که رفع کامل این مسائل و مشکلات مساعدت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی دیگر را می‌طلبد. راهکارهایی که پژوهشگران از سند استخراج نموده، اگرچه ممکن است در بعضی از موارد مستقیماً به کاهش آسیب‌های اجتماعی در مناطق مرزی منجر نشود؛ اما با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از بررسی سؤال اول تا سوم این پژوهش می‌توانند راهکارهایی مفید در جهت کاهش احتمالی آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن در مناطق

مرزی باشند. پژوهشگران با بررسی مستمر نکات کلیدی استخراج شده از متن سند تحول و مصاحبه‌ها نتیجه گرفته است که هر دو منبع راهکارهایی را جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، آموزش و پرورش و مذهب ارائه کرده‌اند. سند راهکارهایی جامع و کلی ارائه کرده که با توجه به ویژگی‌های زبانی، قومی و مذهبی مناطق مرزی جهت برقراری وحدت و وفاق ملی و مذهبی، عدالت تربیتی و رفع مشکلات و تنگناهای تعلیم و تربیت مناطق مرزی می‌توان استفاده نمود؛ از طرفی مصاحبه‌شوندگان نیز با توجه به آسیب‌های موجود در مناطق مرزی جنوب شرقی ایران راهکارهای عملی را برای کاهش آسیب‌های موجود در این مناطق ارائه کرده‌اند.

محدودیت‌های پژوهش

نبود منابع و پژوهش‌های کیفی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش:

۱. تنگناهای اقتصادی به‌عنوان یکی از آسیب‌های مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارند، لازم است تا دولت با بسترسازی مناسب زمینه اشتغال‌زایی و رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری اهالی را فراهم کند و هم‌چنین دولت می‌تواند با ایجاد امنیت در این مناطق توسط دستگاه‌های انتظامی با حفظ شأن اهالی این منطقه زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را نیز در این مناطق فراهم کند.
۲. با توجه به این که آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی یک از مهم‌ترین دلایل افت کیفی تحصیل در این مناطق است لازم است تا نهادهای ذیربط در جهت توسعه فرهنگی و اجتماعی مردم در مناطق مرزی تلاش بیشتری داشته باشند.
۳. آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های آموزشی نقش ویژه‌ای در شکست تحصیلی دانش‌آموزان دارد، با توجه به تأکیدات مکرر سند تحول بنیادین بر برابری فرصت‌های آموزشی در تمامی مناطق زمینه تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی و محروم فراهم شود.
۴. آموزش و پرورش توجه و عنایات ویژه خود را به متریبیان و مریبان زحمتکش این مناطق، با حمایت‌های مالی و معنوی افزایش دهد.

۵. اکثر معلمانی که در مناطق مرزی خدمت می‌کنند از مناطق اطراف و دور هستند، با توجه به این موضوع از آموزش و پرورش به‌عنوان متولی اصلی تعلیم و تربیت در کشور انتظار می‌رود تا با توجه به شرایط سختی کار در این گونه مناطق توجه بیش‌تری به مسائل و مشکلات معلمانی که در این مناطق خدمت می‌کنند داشته باشند و با برطرف کردن مسائل و مشکلات معیشتی‌شان انگیزه آن‌ها را به خدمت در این مناطق افزایش دهد.
۶. در این مقطع حساس و با وضعیتی که در کشورهای همسایه در خصوص ظهور و فعالیت گروهک‌های تروریستی و تکفیری وجود دارد آسیب‌های ناشی از اختلافات قومی و مذهبی بسیار خطرناک‌تر از سایر آسیب‌هاست، با توجه به نفوذ این گروهک‌ها در قشر بی‌سواد، فقیر و سنی‌مذهب نواحی مرزی زمینه را برای رفع فقر و محرومیت اقتصادی و افزایش آگاهی مذهبی، فرهنگی و کاهش بی‌اعتمادی مردم این نواحی به دولت و مسئولین فراهم شود.
۷. به‌دلیل تفاوت‌های زبانی در مناطق مرزی لازم است تا دوره‌های پیش‌دستانی در این مناطق رایگان و اجباری شود.
۸. دروس نظری و تئوری گاهی اوقات سبب بی‌انگیزه شدن دانش‌آموز می‌شود دولت می‌تواند با تأسیس هنرستان و مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزش مهارت و حرفه مناسب به جوانان زمینه را برای کاهش جرائم، فسادهای اخلاقی و مشاغل کاذب که ناشی از بیکاری و ترک تحصیل زودهنگام است را فراهم کند.
۹. برگزاری دوره‌های آموزشی و مشاوره‌ای رایگان برای دانش‌آموزان و والدینشان از سوی آموزش و پرورش، زمینه را برای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد فراهم می‌کند و مهارت‌های زندگی را به آنان آموزش می‌دهد با این کار ارزش تحصیل نزد اهالی نیز افزون‌تر می‌شود.
۱۰. دولت می‌تواند با تأسیس گمرک، اسکله و بازارچه‌های مرزی به قانونی کردن خرید و فروش کالا که در مناطق مرزی به‌صورت قاچاق صورت می‌گیرد کمک کند.
۱۱. هم‌چنین دولت می‌تواند با ایجاد امکانات رفاهی و تفریحی در سواحل بندرهای مرزی زمینه جذب گردشگران را به این مناطق فراهم کند و با این کار سبب اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای، فرهنگی و اجتماعی و افزایش امنیت مناطق مرزی شود.

فهرست منابع

- باقرزاده، علی. (۱۳۹۳). قابل دسترسی از: <https://www.farsnews.ir/printnews/13931010001224>
- پیشگامی فرد، زهرا و امیدوی آوج، مریم. (۱۳۸۸). ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲(۲)، ۷۱-۴۸.
- خضرزاده، اسعد؛ سلیمانی، منصور و رضویان، محمدتقی. (۱۳۸۹). بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۵(۱۸)، ۸۴-۶۷.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه (ترجمه حسین بهروان). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- راسخ، کرامت الله. (۱۳۹۱). فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی. شیراز: انتشارات نوید.
- رضوی، ابوالفضل. (۱۳۹۴). قابل دسترسی از: <https://www.salamatnews.com/news/154484>
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.
- سعیدی، علی‌اصغر و اسماعیل‌زاده، خالد. (۱۳۸۹). مرزها و امنیت اجتماعی، چالش‌های فراوری امنیت در مناطق مرزی و راهکارهای اجرایی آن. فصلنامه جامعه امن کردستان، سال اول، شماره چهارم، ۵۰-۲۳.
- سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران.
- سید اصیل، منیره بگم. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی (مجموعه مقالات همایش نقد و بررسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی) چاپ اول، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب: ۱۸۹-۱۸۵.
- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود و اشنویی، امیر. (۱۳۹۲). تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه موردی: استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۲(۲)، ۱۷۸-۱۵۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آن.
- عبدالله‌آبادی، طیبه. (۱۳۹۰). راهکارهای نوین پرورشی با در نظر گرفتن اقتضانات جغرافیایی و مذهبی مناطق مرزی (مجموعه مقالات همایش نقد و بررسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی) چاپ اول، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب: ۱۱۰-۱۰۳.
- فتحی، الهام و حاتمی ورزنه، ابوالفضل. (۱۳۹۱). رابطه بین آسیب‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی و بررسی نقش پیشگیرانه آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی زنجان، ۲(۵)، ۱۴۱-۱۳۰.

- گرد، مرضیه. (۱۳۹۴). قابل دسترسی از: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/02/02/718371>
- گل‌وردی، عیسی. (۱۳۹۰). محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی. فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، ۲(۳)، ۴۱-۱۲.
- مزیدی، محمد. (۱۳۸۳). جزوه درس تحلیل محتوا. شیراز: انتشارات دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.
- مزیدی، محمد. (۱۳۹۳). جزوه درس روش تحقیق کیفی. شیراز: انتشارات دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.
- مسلم‌زاده تهرانی، کاظم. (۱۳۹۰). جایگاه و نقش رسانه‌ها در فعالیت‌های پرورشی مناطق مرزی. در آسیب‌شناسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی (مجموعه مقالات همایش نقد و بررسی فعالیت‌های پرورشی در مناطق مرزی) چاپ اول، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب: ۱۱۱-۱۲۸.
- Creswell, John. W. (1994). Research Design: Qualitative & Quantitative Approaches. London: SAGE Publications.
- Maykut, P & Morehouse, R. (1994). Beginning Qualitative Research A Philosophic and Practical Guide. London: The Farlmer Press.





DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.6.3

١. المؤلف المسؤول: دكتوراه في فلسفة التربية والتعليم. كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة شيراز، شيراز، إيران
Mhtavala@gmail.com

٢. خبير أول، قسم فلسفة التربية، جامعة شيراز، شيراز، إيران.

علم الأمراض الاجتماعي للتعليم في المناطق الحدودية لجنوب

شرق إيران

محمد موزوشي^١ | نعيمه زكاري^٢

الملخص

كان الهدف من البحث الحالي هو فهم الأضرار الاجتماعية للتعليم في المناطق الحدودية لجنوب شرق إيران. تم إجراء هذا البحث في نموذج نوعي ونوع البحث نوعي أيضاً. تم جمع البيانات من خلال طريقتين: مقابلة متعمقة ومراجعة الوثيقة. تم اختيار الموضوعات لجزء المقابلة بطريقة هادفة، باتباع قواعد أقصى قدر من التنوع والوصول إلى نقطة التشبع أو التشبع النظري. تم استخدام النهج التفسيري التجريدي لتحليل البيانات التي تم الحصول عليها من المقابلة المتعمقة، وتم استخدام تحليل المحتوى الاستقرائي لتحليل الوثائق قيد الدراسة (وثيقة التحول الأساسي للتعليم). أظهرت نتائج البحث في قسم المقابلات أن الأضرار الاجتماعية في التعليم الحدودي يمكن تحديدها في أربعة مجالات: الأضرار الثقافية والاجتماعية، والأضرار التعليمية، والمصاعب الاقتصادية، والصعوبات الدينية. كما أن الفئات المستخرجة من نص الوثائق كانت متسقة إلى حد ما مع نتائج المقابلات. وظهرت تداعيات هذه الأضرار في بعدين، قصير المدى وطويل الأمد، ووفقاً للأبعاد المذكورة، تم تقديم الحلول في المجالات الأربعة الاقتصادية والثقافية والاجتماعية والدينية والتعليمية.

الكلمات الرئيسية: علم الأمراض الاجتماعي، المناطق الحدودية، جنوب شرق إيران، وثيقة التحول الأساسي.